

دکترین جنگ نامتقارن

مترجم: علیرضا فرشچی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۹/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۱۱/۵

صفحات مقاله: ۱۴۷-۱۶۸

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی مفهوم عدم تقارن چرخه‌ی کنش، واکنش، و ضدواکنش آن در عملیات مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، بحث عدم تقارن در ادبیات نظامی و چالش‌های مفهومی آن بررسی و در کنار مصداق‌هایی از عدم تقارن در جنگ، معرفی و در پایان ویژگی‌های رهنامه‌ای مؤثر در حوزه نظامی عدم تقارن ارائه شده است.

* * * * *

کلید واژگان

رهنامه (دکترین)، عدم تقارن، تاکتیک، تکنیک‌ها و رویدادها، عدم قطعیت و ابهام.

هر بحثی درخصوص «رهنامه» و «عدم تقارن» باید با اذعان به تنش ذاتی میان نقش رهنامه و ماهیت عدم تقارن در جنگ، آغاز شود. رهنامه باید به طور موجز، بیانگر عقل جمعی درخصوص چگونگی اجرای عملیات نظامی به‌وسیله‌ی

نیروهای مسلح باشد. جی. اف. سی. فولر^۱، مورخ، به سال ۱۹۲۳ میلادی چنین نوشت: «فکر اصلی یک ارتش در قالب رهنامه آن شناخته می‌شود که لازمه‌ی منطقی بودن این دکترین ذکر اصول جنگ است و لازمه‌ی مؤثر بودن آن، داشتن انعطاف لازم در برخورد با تغییرات و دگرگونی‌ها، متناسب با تغییر در شرایط است. از این فکر اصلی یا رهنامه، در اوج رابطه‌اش با درک انسانی، مرادی جز ایجاد زمینه‌ی لازم برای دست یافتن به درکی مشترک نیست و آن هم منطبق ساختن اقدام با شرایط است.»^(۱)

در عین حالی که جنگ نامتقارن دربرگیرنده‌ی حوزه‌ی وسیعی از نظریات، تجربیات، حدس و گمان و تعاریف است، فرض ضمنی بر این مبناست که در جنگ نامتقارن با بهره‌گیری از غافلگیری از طریق اهداف، شیوه‌ها و ابزار، به ناشناخته‌ها پرداخته می‌شود. هر قدر که طرف مقابل در مقایسه با نیروهای خودی تفاوت‌های بیش‌تری داشته باشد، پیش‌بینی اقدامات وی نیز به همان اندازه دشوارتر خواهد بود. اگر می‌شد که از قبل بدانیم دشمن چگونه برای بهره‌برداری از این تفاوت‌ها طرح‌ریزی کرده است، ما نیز می‌توانستیم رهنامه معینی را برای مقابله با اقدامات او تدوین کنیم. رهنامه، در برخورد با دشمنان نامتقارن، باید شیوه‌ی تفکر در خصوص نامتقارنی و فلسفه‌ی عملیاتی که در آن «نامتقارنی» کاملاً لحاظ شده باشد را فراهم سازد.

یکی از شیوه‌های نگرش به جنگ نامتقارن، پرداختن به آن در قالب چرخه‌ی کنش، واکنش و ضدواکنش است. دشمنان ما به مطالعه و بررسی رهنامه‌های ما می‌پردازند و سعی دارند با آن مقابله کنند. از هر دشمن قابل و باکفایتی، چنان‌چه به نتیجه‌ی کار خود ایمان داشته باشد، اقدامات غیرمنتظره و غافلگیرانه سر خواهد زد.

1 - J. F. C. Fuller

ما نیز هنگامی که به عدم تقارن پی بردیم با آن به مقابله خواهیم پرداخت، و به همین ترتیب جریان ادامه پیدا می‌کند. برای مثال، اگر دشمنی ناشناخته تجهیزات بیولوژیکی داشته باشد و ما آن را نداشته باشیم، آمادگی ما در قالب طیفی از مسایل مربوط به فناوری، رهنامه و عملیات به لحاظ حفاظت از نیروها، توسعه‌ی پادزهرها و ایجاد توانایی لازم برای حمله یا با شکست مواجه ساختن ابزار و شیوه‌های توزیع عوامل میکروبی دشمن و پشتیبانی از غیرنظامیان، معنا می‌یابد. چنین آمادگی‌ای در راستای تأمین هدف بازدارندگی از کاربرد تجهیزات بیولوژیکی صورت می‌پذیرد، چرا که با کسب این آمادگی، از میزان برتری نامتقارن اصلی دشمن کاسته می‌شود. متأسفانه، عدم قطعیت و ابهام، از سرشت جنگ جدایی‌ناپذیر است و نامتقارن بودن هم به این عدم قطعیت دامن می‌زند و آن را افزایش می‌دهد. افرادی که به انتظار نشسته‌اند تا از طریق رهنامه، تاکتیک، تکنیک، و رویه‌ها (TTP)، راه حل و فهرستی از کارهایی که باید در عملیات انجام داد، فراهم شود، در حین عملیات واقعی، به سرعت به اشتباه خود پی خواهند برد. چنانچه هنگامی که دشمن با قابلیت از قابلیت‌های خود ما را غافلگیر سازد، واکنش ما لزوماً مقطعی و موردی بوده، و چندان اثربخش نخواهد بود. برتری که دشمن از آن بهره‌مند است، بسته به پیش‌فرض‌ها و توانایی ما برای انطباق با شرایط، احتمال دارد همچنان باقی بماند. رهنامه باید نیروهای مسلح را به مجموعه‌ای از اصول و نگرش‌ها برای مقابله‌ی سریع و مؤثر با عدم قطعیت و ابهام مجهز نماید.

اژدر نيزه‌ی بلند ژاپنی^۱

نیروی دریایی آمریکا و ژاپن در سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم،

1 - Japan's Long Lance Torpedo

راه‌حل‌ها و شیوه‌های تاکتیکی و تکنیکی متفاوتی را در رزم دریایی سطحی خود دنبال می‌کردند. نیروی دریایی آمریکا توپخانه‌ی دریایی دوربرد در روش‌های روز را کانون توجه خود قرار داده بود؛ توپخانه‌هایی که به وسیله‌ی هواپیماهای تجسسی نیروی دریایی و رایانه‌های پیشرفته‌ی آنالوگ پشتیبانی می‌شد.^(۲) برای این‌که رایانه‌ها به جواب محاسبه‌ی آتش برسند، کشتی آتش‌کننده مجبور بود به حفظ وضعیتی ثابت مبادرت ورزد تا رایانه‌ها بتوانند استقرار پیدا کرده، اطلاعات دقیقی را برای برجک توپ‌ها فراهم کنند.

نیروی دریایی ژاپن، اژدر نیزه بلند تیپ ۹۳ را ساخت که قادر بود کلاهدک جنگی بزرگی را با خود حمل کند و مسافتی را به طول ۲۰۰۰۰ یارد یا بیش‌تر، با سرعت ۴۵ گره^۲ دریایی بپیماید.^(۳) ژاپنی‌ها سیستم آتش هوشمند و ایده‌آلی داشتند. در نتیجه، نیروهای ژاپنی آموزش‌دیده برای رزم شبانه، با رزم‌ناوها و ناوشکن‌هایی که کاملاً در حال مانور بودند به شلیک اژدر مبادرت می‌کردند.

نیروی دریایی آمریکا برای مدت بیش از دو سال، یعنی از اوایل سال ۱۹۴۲ که با اژدر نیزه بلند روبرو شد، از درک قابلیت‌های این سلاح عاجز بود. نیروی دریایی آمریکا و ژاپن در جریان نبردهای دریایی خود دو مسیر نامتقارن متفاوت را در پیش گرفته بودند؛ روند توسعه‌ی اژدرها در آمریکا هم با نواقص و کاستی‌های فراوانی روبرو بود. اژدرهای آمریکایی بسیار کم سرعت و کند بودند، نسبت به اژدرهای ژاپنی، کلاهدک جنگی کوچک‌تری را می‌توانستند حمل کنند، برد آن‌ها هم کم‌تر از ۱۰۰۰۰ یارد بود، و اغلب، حتی وقتی هم که به هدف اصابت می‌کردند، منفجر نمی‌شدند. در نتیجه، نیروی دریایی آمریکا قابلیت‌های ضعیف تسلیحاتی خود را در مقابل قابلیت‌های ژاپنی‌ها به کار می‌گرفت [قرینه‌سازی می‌کرد] و نمی‌خواست

۱ - هر یارد برابر است با ۹۱/۴۴ سانتی‌متر، م.

۲ - هر گره یا میل دریایی، تقریباً برابر است با ۱۸۳۵ متر، م.

باور کند که ژاپنی‌ها قادر به استفاده از اژدرهای برتری هستند. به تدریج، قدرت هوایی آمریکا، آتش جنگ‌افزارهای هدایت‌شده به وسیله‌ی رادار، و سایر انطباقات تاکتیکی آن به ایجاد نوعی موازنه انجامید، اما در کل جنگ، اژدرهای ژاپنی، طرح‌ریزان نیروی دریایی آمریکا را عاجز کرده بود. نیروی دریایی آمریکا طی این جنگ، متحمل یک غافلگیری تاکتیکی و فناورانه‌ی نامتقارن شد؛ چرا که آمریکایی‌ها این سلاح را پیش‌بینی نکرده بودند و در حقیقت، حتی نمی‌توانستند خود را متقاعد کنند که ژاپنی‌ها چنین قابلیت‌هایی دارند، البته پاسخ به این مسأله چندان هم ساده نبود و سال‌ها طول کشید تا نسبت به آن سازگاری حاصل شد.

توسعه‌ی دکترین آمریکا

برای گذر از تنش ذاتی میان دکترین و نامتقارنی، توجه این بخش معطوف به دو مشاهده از نامتقارنی است که از نظر دشمنان بالقوه ارتباط زیادی با توسعه‌ی دکترین آمریکا دارد:

۱- درک این نکته لازم است که برای بسیاری از دشمنان بالقوه، آمریکا همانقدر نامتقارن جلوه می‌کند که آن‌ها برای آمریکا. برای یک مبارز القاعده که در غاری واقع در مناطق دوردست افغانستان پنهان شده است، مواد انفجاری هوا سوخت هوایی که از فراز هزاران پایی و مایل‌ها دورتر با دقتی بسیار زیاد توسط لیزر هدایت می‌شود و به وسیله‌ی نیروهای عملیات ویژه‌ی (SOF) ورزیده به‌طور پنهانی به کار گرفته می‌شود، همانقدر نامتقارن است که تاکتیک او برای آمریکایی‌ها.

۲- در رهنامه نمی‌توان شکل و ماهیت درگیری‌های نامتقارن را پیش‌بینی کرد، اما ویژگی‌های ضروری و چارچوب دانش ذهنی لازم برای مقابله در محیط آشفته‌ی عملیات نامتقارن را می‌توان پیش‌بینی کرد.

برای درک نقش رهنامه باید بین رهنامه، تاکتیک، تکنیک، و رویه‌ها تفاوت

قایل شد. اغلب افرادی که از واژه‌ی رهنامه استفاده می‌کنند، چارچوب کلی رهنامه را نظر دارند و از تفکیک نقش معین هر عنصر آن غافل می‌مانند. تعریف نقش هر عنصر در رهنامه به ظاهر امتیاز مهمی برای آن محسوب نمی‌شود، اما این تعاریف برای درک ما اهمیت دارد، چرا که هر عنصر در چگونگی عملکرد نیروهای نظامی نقش متفاوتی را ایفا می‌کند. ارتباط این موضوع، در اینجا معنا پیدا می‌کند که هر عنصر، با توجه به شرایط نامتقارنی، نقش متفاوت تری هم می‌یابد و همچنین هر عنصر، نرخ ادواری متفاوتی به لحاظ توسعه و عمر مفید خود دارد.

در رهنامه‌ای کارآمد و مؤثر، انتظار چگونه جنگیدن بر مبنای تجارب گذشته و مبتنی بر بهترین شکل پیش‌بینی آنچه فراروی ماست، بیان می‌گردد. رهنامه باید:

- ۱ - رابطه‌ی میان تحقیق، نظریه، تاریخ، آزمایش و عمل را فراهم سازد.
- ۲ - دربرگیرنده مجموعه دانش و تجربه‌ای باشد که بتوان آن را بکار گرفت.
- ۳ - زمینه‌ی درک و زبان مشترکی را فراهم سازد که به ما امکان دهد، آنچه نیروهای نظامی باید انجام دهند را به طور شفاف و خلاصه بیان کنیم.

تعریف دقیق رهنامه عبارتست از «اصول بنیادینی که بدان واسطه نیروهای نظامی یا عناصر آن در راستای تأمین اهداف ملی به هدایت اقداماتشان می‌پردازند. این اصول جنبه‌ی آمرانه دارد، اما لازمه‌ی کاربرد آن‌ها در عمل برخورداری از قوه‌ی قضاوت و تشخیص است.»^(۴) در تمیز میان مفهوم کلی، شامل هر چهار عنصر و تعریفی دقیق‌تر، این دومی است که ما می‌توانیم آن را مورد تأکید قرار دهیم.

همان‌طور که فولر آورده است، رهنامه نظامی باید متضمن تدبیر و مفهومی عملیاتی باشد، فلسفه‌ای که در آن چگونگی عملیات نیروهای نظامی آمده باشد.^(۵) برای نیل بدین مقصود، رهنامه باید استلزامات عملیاتی را با نقاط قوت محسوس نیرو و وفق دهد. نیروهای نظامی هنگامی به بهترین شکل ممکن عمل می‌کنند که از قابلیت‌های مشهود و نقاط قوت نامتقارن خود بهره‌برداری کرده باشند. تاریخ مملو از نمونه‌های شکست نظامی است که حکایت از تلاش برای رقابت با شیوه‌ی نبرد

دشمن دارد، در حالی که نیروهای خودی چندان تطابق و تناسبی با آن نداشته‌اند.

تاکتیک

در تاکتیک به چگونگی استفاده از یگان‌ها در حین نبرد پرداخته می‌شود.^(۶) کاربرد واقعی تاکتیک بستگی فراوانی به قرائن و شواهد دارد. تاکتیک آمیزه‌ای از علم و هنر است. در آیین‌نامه‌ی رزمی (FM) شماره‌ی ۳-۹۰ نیروی زمینی آمریکا با عنوان «تاکتیک» آمده است:

«علم تاکتیک دربرگیرنده‌ی درک آن دسته از ابعاد نظامی تاکتیک (قابلیت‌ها، فنون و شیوه‌هایی) است که می‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری نمود و مدون کرد.» هنر تاکتیک دربرگیرنده‌ی سه بعد به هم پیوسته است:

۱ - مجموعه‌ای از شیوه‌های قابل انعطاف و مبدعانه برای به انجام رساندن ماموریت‌های محوله

۲ - تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت و ابهام به هنگام رویارویی با دشمنی باهوش

۳ - درک بُعد انسانی، یعنی تأثیر نبرد بر سربازان

تاکتیسین‌ها برای حل مسایل تاکتیکی مطرح، در چارچوب مقاصد فرمانده، با انتخاب از میان گزینه‌های به هم پیوسته، مانند شکل مانور، وظایف تاکتیکی مربوط به مأموریت و ترتیب و انتخاب نوع اقدامات کنترلی، به هنر تاکتیک روی می‌آورند.^(۷) بویژه توجه کنید به توصیف هنر تاکتیک؛ یعنی «تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت و ابهام، هنگامی که با دشمنی باهوش روبرو هستیم»، چرا که این وصف تقریباً رابطه‌ی مستقیم بین تاکتیک و نامتقارنی را بیان می‌دارد.^(۸)

تاکتیک همپا با وضعیت، پیوسته تغییر می‌کند. کتابی که گویای همه‌ی شرایط و قواعد تاکتیکی بوده، جوابگوی همه‌ی مسایل آن باشد، وجود ندارد؛ آیین‌نامه‌های تاکتیکی فقط فهرستی از گزینه‌ها را به دست می‌دهند که باید از میان آن‌ها انتخاب

کرد. تاکتیک در حین نبرد در مقابل دشمن نامتقارن بکار گرفته می‌شود، اما این لزوماً بدان معنا نیست که فهرستی از مجموعه‌ی تاکتیک برای جنگ نامتقارن می‌توان در اختیار داشت، چرا که هرگونه کاربرد این تاکتیک منحصر بفرد است و شرایط خاص خود را دارد. تاکتیک مجموعه‌ی اقداماتی را شامل می‌شود که علیه دشمنی نامتقارن به هنگام چینش نیروها برای مقابله انجام می‌دهیم. آنچه که تاکتیک را در مقابل دشمنی نامتقارن تغییر می‌دهد این است که ما مجبور شویم ترکیب بخصوصی از گزینه‌ها را که شاید قبلاً از آن استفاده نکرده باشیم، بکار ببریم، یا شاید مجبور شویم گزینه‌های تازه و بدیعی را برای مقابله با نامتقارنی در نظر بگیریم. فرماندهان در حین مواجه شدن با شرایطی تازه باید از میان مجموعه‌ای متنوع از راه‌حل‌های ممکن، دست به انتخاب بزنند و راه حل برگزیده را با شرایط حاکم بر نقطه‌ی درگیری منطبق سازند.

تکنیک‌ها و رویه‌ها

تکنیک‌ها دربرگیرنده‌ی روش‌های تفصیلی و کلی‌ای هستند که فرماندهان به منظور انجام ماموریت‌ها و وظایف محوله، بویژه روش‌های به‌کارگیری تجهیزات و نیرو، مورد استفاده قرار می‌دهند. رویه‌ها شامل شرح تفصیلی و استاندارد نحوه‌ی عمل است که در آن چگونگی انجام وظایف توصیف شده است. تکنیک و رویه‌ها برای نیروها جنبه‌ای داخلی دارند. تکنیک‌ها و رویه‌ها، بنا به سازمان، تجهیزات و محیط، ویژه‌ی انواع خاصی از یگان‌ها هستند.^(۹) این شیوه‌ها و رویه‌ها در نازل‌ترین سطح مفهوم گسترده‌ی رهنامه، استاندارد عمل (SOP) مربوط به سطح نبرد و یا به تعبیری سطح تکنیک جنگ‌اند. تکنیک‌ها و رویه‌ها شیوه‌ی عمل استاندارد هستند که بتدریج و در حین آموزش در ذهن و رفتار نیرو جای می‌گیرند.

این مطلب در این گفته مصداق می‌یابد که «نیروها همان‌طور که آموزش می‌بینند، می‌جنگند». نیروهای نظامی نمی‌توانند همان‌طور که به حرکت رو به جلوی

خود ادامه می‌دهند همه‌ی کارهای خود را در هر شرایطی، در حد ایده‌آل انجام دهند. در برخی موارد، بنا به ضرورت مجبوریم از تکنیک‌ها و رویه‌های موجود با برخی تغییرات، برای انطباق یافتن و سازگار شدن با شرایط، در مقابل دشمنان نامتقارن استفاده کنیم. این روش می‌تواند مؤثر واقع شود. در موارد دیگر، اگر تکنیک‌ها و رویه‌های لازم وجود نداشته باشد و ترکیب ابتکاری تکنیک‌ها و رویه‌های موجود مؤثر واقع نشود، باید تکنیک‌ها و رویه‌های جدیدی را با تکنیک‌ها و رویه‌های موجود برای غلبه بر مشکل پیش‌رو ترکیب کرد. اگر به نظر رسید که چنین وضعیتی، که موجب بروز تغییر در تکنیک‌ها و رویه‌ها شده، ممکن است دوباره تکرار شود، باید نسبت به اطلاع‌رسانی به‌عنوان راه حل این وضعیت، به سایر نیروها اقدام کرد تا این‌که آن‌ها مجبور نشوند از طریق تجربه‌ای تلخ آن را بیاموزند. شاید باور آن مشکل باشد، اما سربازان نیروی زمینی آمریکا هنوز هم در افغانستان سرگرم منطبق ساختن و استفاده کردن از تمرین‌ها و رویه‌های عمل استاندارد هستند که پیش از اعزام فرا گرفته بودند.

هر نیروی نظامی باکفایت دایما به فکر سازگاری با شرایط است. یگان‌های نظامی، تکنیک‌ها و رویه‌های خود را پیوسته براساس شرایط و دانش حاصل از تجارب گذشته اصلاح می‌کنند. بی‌تردید، پرداختن به دشمنانی متفاوت از نیروهای خودی، نه موضوعی تازه است و نه منحصر بفرد. هنگامی که نیروی زمینی آمریکا در جنگ جهانی دوم در ایتالیا با وسایل ضدخشتی‌سازی مین‌ها و سایر تله‌های انفجاری روبرو شد، شیوه‌هایی را برای پاکسازی و نشانه‌گذاری منطقه‌ای به‌وجود آورد و همچنین تکنیک‌های تازه‌ای را برای غیرمسلح کردن مین‌ها مورد استفاده قرار داد. به همین ترتیب، تفنگداران دریایی تمرین‌های تخصصی‌ای را برای انهدام غارهای ژاپنی‌ها و استحکامات زیرزمینی آن‌ها طی جنگ در منطقه‌ی پاسیفیک به اجرا درآوردند. تغییر دادن تکنیک‌ها و رویه‌ها، آن‌هم به شکلی که در کل نیرو مؤثر باشد، نیازمند آزمایش، آموزش، و بسط و گسترش است. این اقدامات، بخشی از

ماهیت سازگاری و انطباق‌پذیری رزمی هستند. سازگاری و انطباق‌پذیری برای نیل به موفقیت‌های نظامی حیاتی است، چرا که در جنگ، اعم از این که نامتقارن باشد یا نباشد، با عدم قطعیت و ابهام روبرو خواهیم بود.

عدم قطعیت و شرایط غیرمنتظره

کارل فون کلاوزویتس، نظریه‌پرداز نظامی آلمانی، معتقد بود که ابهام و عدم قطعیت عنصر گریزناپذیر جنگ است.^(۱۰) ممکن است به طور نسبی در قالب عملکرد عالی فرماندهی، کنترل و اطلاعات، از میزان عدم قطعیت کاسته شود. اما همان‌طور که سیر رویدادها در افغانستان و در حقیقت سایر جنگ‌ها و درگیری‌ها نشان می‌دهد، این عدم قطعیت را از عرصه‌ی جنگ نمی‌توان حذف کرد. عدم قطعیت یکی از جنبه‌های پایدار جنگ است و از عوامل زیر ناشی می‌شود:

- ۱ - فقدان اطلاعات در خصوص نیت و مقاصد دشمن، مانند این که آیا صدام قصد حمله به عربستان سعودی را داشت یا نه؟
 - ۲ - زمان‌بندی، موقعیت، یا حتی وجود طرحی برای حمله، مانند تهاجم آردناز آلمان‌ها.
 - ۳ - کارایی و اثربخشی یا حتی وجود تجهیزاتی جدید، مانند اژدرهای تیپ ۹۳.
 - ۴ - به وجود آوردن شکل جدیدی از جنگ، مانند حملات برق‌آسا.
- برخی چنین استدلال می‌کنند که عدم قطعیت، به مثابه کارکردی از عدم تقارن، با گسترش فناوری و تقابل اهداف متعارض افزایش یافته است. این افزایش عدم قطعیت نه تنها بین دولت - ملت‌ها مطرح بوده است، بلکه بین نقش‌آفرینان غیردولتی نیز وجود دارد. بی هیچ تردیدی، شواهد دلالت بر این نکته دارد که احتمال فزونی یافتن عملیات‌های نامتقارن در قالب شماری از درگیری‌های احتمالی و متخصصین، ابزار فنی، برداشت‌های فرهنگی، و ارزش‌های متنوع و گوناگون، وجود دارد. دشمنان بالقوه‌ی آمریکا به این نکته پی برده‌اند که انتخاب

روشی متعارف برای جنگ با آمریکا در حکم خودکشی است. همانطور که احتمال نامتقارنی افزایش می‌یابد، سطح عدم قطعیت و احتمال غافلگیری تاکتیکی، عملیاتی، و راهبردی نیز فزونی می‌گیرد.

در حقیقت، نامتقارنی چیزی جز رساندن سطح عدم قطعیت، یا غافلگیری به سطح جدیدی که مستلزم سبک‌ها، شیوه‌های نوظهور، یا حتی اهداف تازه باشد نیست. به لحاظ رهنامه‌ای، واکنش ما چه به نامتقارنی دشمن در سطح نازل نوآوری تاکتیکی باشد یا یک رویکرد استراتژیک کاملاً بدیع، یکسان خواهد بود. باید به اندازه‌ی لازم زیرک و باهوش باشیم که تشخیص بدهیم چه چیزی [در دشمن] تغییر کرده است و سپس انعطاف لازم برای نشان دادن واکنشی مؤثر را داشته باشیم. رهنامه باید این امر را تسهیل نماید.

برخورد با شرایط غیرمنتظره مستلزم سازگاری سریع با وضعیت‌های واقعی است. چنانچه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مندرج در رهنامه بیش از حد باشد، رهنامه اعتبارش را از دست خواهد داد. بدتر این‌که رهنامه میل و علاقه‌ی وافری را برای عمل طبق کتاب و آیین‌نامه در افراد ایجاد می‌کند، فرقی هم نمی‌کند که مطالب کتاب متضمن شرایط و متناسب با آن باشد یا نباشد. آدمیرال ارنست کینگ^۱ فرمانده آمریکایی عملیات‌های دریایی در جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۰ نسبت به این موضوع با گفتن این نکته هشدار داد: *”زمان و فرصت کافی برای ابلاغ برخی از وظایف رده‌های تابعه وجود ندارد... اگر آن‌ها [فرماندهان رده‌های تابعه] به سبب عادت کردن به فرامین و دستورالعمل‌های پرطول و تفصیل علاقه‌ای به انجام کار نداشته باشند، اگر آن‌ها عادت نکرده باشند فکر کنند، قضاوت کنند، تصمیم بگیرند و به اختیار خود عمل کنند، ما به هنگام عملیات واقعی، در موقعیتی اسف‌بار قرار*

1 - Ernest King

خواهیم گرفت" (۱۱) رهنامه باید دربرگیرنده‌ی فلسفه‌ی تفکری ابتکاری و خلاق برای مقابله با عدم قطعیت باشد. هر قدر که دشمن نامتقارن‌تر باشد، این موضوع اهمیت بیش‌تری می‌یابد. آموزش باید مکمل فلسفه‌ی عملیات‌هایی باشد که بر عدم قطعیت تأکید دارد. رهنامه آموزش باید با قرار دادن سربازان و فرماندهان در شرایط و موقعیت‌های ناآشنا و ناشناخته و وادار ساختن آن‌ها به ابداع تفکر خلاق ایشان را برای بروز دادن خلاقیت‌هایشان تحت فشار قرار دهد.

رهنامه، برای این‌که همچنان مؤثر باشد، باید عناصر عدم قطعیت و شرایط غیرمنتظره را به رسمیت بشناسد. البته در رهنامه نمی‌توان به پیش‌بینی امور غیرمنتظره پرداخت؛ با این حال، رهنامه باید فراتر از پرداختن به امور پیش‌پا افتاده باشد. رهنامه باید ارایه‌گر پایه‌ی آموزشی و مجموعه‌ی ابزار لازم برای درک و تأثیرگذاری بر عملیات‌های موفقیت‌آمیز باشد نه با نادیده گرفتن آن‌ها، بلکه به سبب ماهیت نامتقارن فزاینده‌ای که دارند. انتقال دادن این مجموعه ابزار وظیفه‌ی سیستم‌های آموزشی، تحصیلاتی، و خودآموز است. بکار بردن ابزار وظیفه‌ی فرماندهی است. رهنامه نظامی باید فلسفه‌ی عملیاتی‌ای را شامل گردد که در آن عدم قطعیت به مثابه جنبه‌ی بنیادی جنگ به رسمیت شناخته شده باشد. دکتترین باید ماهیت انطباق‌پذیر تفکر و عزم دشمن را به تصویر کشیده و بر فقدان توصیه در دکتترین تأکید کند. اما کار رهنامه در اینجا تمام نمی‌شود.

سازگاری و ابتکار عمل

درس همیشگی‌ای که رهنامه باید مورد تأکید قرار دهد این است که هنگام رویارویی با عدم تقارن، جنگ حول محور انطباق‌پذیری و سازگاری می‌گردد. نمونه‌های عدم تقارن و سازگاری‌هایی که نسبت به آن صورت گرفته را می‌توان در شورش‌ها و توسعه‌ی نیروها و دکتترین ضدشورش یافت. در سطح تاکتیکی، می‌توان تأثیرات مسلسل، آتش دقیق توپخانه غیرمستقیم، و سیم‌خاردار را در جنگ

جهانی اول مشاهده کرد. می‌توان توسعه‌ی تاکتیک تهاجم سریع و روش مقابله‌ی با آن را بررسی کرد. می‌توان حملات هوایی آمریکایی‌ها علیه صرب‌ها در کوزوو را تجزیه و تحلیل کرد و به تاکتیک استتار و فریب صرب‌ها پی برد.

تجربه‌ی نظامیان آمریکایی در اوج جنگ‌هایی که با سرخپوست‌ها داشتند، بسیار روشنگر است. سرخپوستانی که در دشت‌ها زندگی می‌کردند قبایل چادرنشینی بودند که از تاکتیک جنگ چریکی علیه واحدهای نظامی آمریکا استفاده می‌کردند. تحرک و مهارت، سرخپوست‌ها را قادر می‌ساخت تا سریع حمله کنند و به همان سرعت از دست تعقیب‌کنندگان بگریزند. نظامیان آمریکایی فاقد تحرک و اطلاعات لازم برای وادار ساختن سرخپوست‌ها به نبرد در قالب یک درگیری منظم بودند که اگر چنین می‌شد نظامیان آمریکایی (نیروهای فدرال) می‌توانستند از قدرت آتش برتر خود استفاده کنند. ژنرال جورج کروک^۱ در خصوص یافتن راه حلی برای این مسأله، توان [رزم] نسبی نیروهای درگیر را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که سرخپوست‌ها قدرت تحرک خود را در زمستان از دست می‌دهند، چرا که از چادرهایشان نمی‌توانستند زیاد دور شوند. کروک با استفاده از قاطرهای سخت‌جان به جای اسب می‌توانست با طی مسافت‌های طولانی در زمستان عملیات کند و بدین ترتیب، به چادرهای زمستانی سرخپوست‌ها - که در مناطق دوردست واقع شده بود - حمله کند. وقتی که گروه‌های مبارز سرخپوست به چادرهای سوخته و نابودشده‌ی خود باز می‌گشتند، چاره‌ای نداشتند جز این که یا از گرسنگی بمیرند یا به اردوگاه‌هایی که آمریکایی‌ها برای قبایل سرخپوست در نظر گرفته بودند، نقل مکان کنند.^(۱۲)

راه‌حلی که کروک برای حل این مسأله برگزید، توسعه‌ی یک فناوری

1 - George Crook

نامتعارف و خارق‌العاده برای حل یک مشکل نظامی نبود. آنچه که برای دستیابی به موفقیت‌های حیاتی داشت انتخاب آگاهانه و هوشمندانه از میان ابزار و شیوه‌های موجودی بود که با شرایط تناسب داشته باشد. کروک به این نکته پی برده بود که در فصل درگیری، سرخپوست‌ها برتری نامتقارنی نسبت به نظامیان آمریکایی داشتند که به راحتی نمی‌شد بر آن غلبه کرد. او در بررسی خود متوجه این مطلب شد که سرخپوست‌ها، درست، قرینه‌ی قوت نامتقارن خود، در فصل زمستان دارای نقطه‌ی ضعف آشکاری هستند. کروک به بسط‌نگرشی نامتقارن پرداخت که سرخپوست‌ها نیز به نوبه‌ی خود نتوانستند با آن مقابله کنند. شیوه‌های انتخاب‌شده بر توان نسبی و شیوه‌های مکمل برای حفاظت از نقاط ضعف تأکید داشت. کروک رهنامه نظامی آمریکا را بازنویسی نکرد؛ او نیروهای خودش را برای اجرای رهنامه به روشی تازه، با شرایط موجود، سازگار و منطبق ساخت. باید چنین تفکر خلاق و مبدع‌ان‌های را از فرماندهان خود بخواهیم.^۱

همچنان که سرگرم تدوین رهنامه برای عصر نامتقارنی هستیم، ضرورت مقابله با عدم تقارنی را که دشمنان بالفعل و بالقوه تمرین می‌کنند و شیوه‌ی کار خود قرار می‌دهند، باید بشناسیم، و باید قابلیت‌های نامتقارن خود را، به منظور سرمایه‌گذاری بر موضوعاتی که دشمن به راحتی توان پاسخ بدان‌ها را ندارد، با مقتضیات منطبق سازیم. این موضوع اهمیت فراوانی دارد، چرا که نیروهای نظامی آمریکا مجموعه‌ی وسیعی از قابلیت‌های نامتقارن را در اختیار دارند که اگر به طور مؤثر بکار گرفته

۱ - در این مورد به لحاظ تفاوت فرهنگی ماهوی که با فرهنگ نظامی بومی ما دارد، مصداق آموزش کاربردی نمی‌تواند داشته باشد، اما از نظر آشنایی با پیشینه‌ی فرهنگ نظامی به دور از اخلاقیات آمریکایی‌ها که در آن کشتار بی‌رحمانه‌ی زنان و کودکان و سالخوردگان که امکان دفاع از خود را ندارند، در چارچوب اقدامات تاکتیکی توصیه می‌شود، موردی شایان توجه است. بنابر آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام، رزمنده‌ی مسلمان از اقدام به چنین اعمالی به شدت نهی شده است، م.

نشود، بی ارزش خواهد بود.

تاریخ نظامی آکنده از نمونه‌های شکست و ناکامی است که در مسیر بهره‌برداری از مزایای حاصل از نامتقارنی رخ داده است:

استفاده‌ی انگلیسی‌ها از تانک در کامبرایی^۱ در سال ۱۹۱۷، استفاده آلمان‌ها از گاز کُلر در سال ۱۹۱۵ در جنگ جهانی اول، شکست اتحادیه در کارتر^۲ در پترزبورگ در سال ۱۸۶۴ و ناتوانی آمریکایی‌ها برای انسجام بخشیدن تحرک نامتقارنی که به سبب وجود بالگردها در ویتنام به وجود آمده بود به راهبردی متناظر. مطالعه‌ی مواردی این چنین، دربرگیرنده‌ی کاربرد شیوه‌های نامتقارنی است که در مسیر دستیابی به موفقیت‌های عملیاتی یا راهبردی ناکام مانده، شکست خورده‌اند. در حالی که کارشناسان نظامی ممکن است جزییات را به منظور اندازه‌گیری و مرتبه‌بندی رهنامه مورد بحث قرار دهند، باید دانست که اقدام نامتقارنی تأثیرات مرتبه‌ی دوم و سومی دارد که با مطالعه‌ی سطحی، آشکار نمی‌شود. این مثال‌ها و همچنین سایر نمونه‌های دیگر، سرعت انطباق‌پذیری و زودگذر بودن فرصت‌های بهره‌برداری که ممکن است در پی آن به وجود آید را مورد تأکید قرار می‌دهد.

ویژگی‌های رهنامه مؤثر

رهنامه مؤثر، در عصر عدم تقارن فزاینده، باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱ - رهنامه باید دارای تدبیر عملیاتی‌ای باشد که فقط جنگ متعارف پرشدت را شامل نشود بلکه سایر درگیری‌ها را نیز دربرگیرد. در عصر برتری متعارف آمریکایی‌ها، غیرمحمتمل است که دشمنان آمریکا سعی بر قرینه‌سازی در برابر نقاط قوت آمریکا داشته باشند و به طور متقارن

1 - Combrai

2 - Carter

بجنگند. به هر حال، این مزیت فقط تا زمانی وجود خواهد داشت که بتوانند قابلیت‌های خود را حفظ کنند. اگر آمریکایی‌ها قابلیت‌ها را از دست بدهند باید قابلیت دیگری را جایگزین آن کنند تا بتوانند با قابلیت هر دشمن مشابهی مقابله کنند، در غیر این صورت، آسیب‌پذیر باقی خواهند ماند.

۲- فلسفه‌ی رهنامه‌ای، پیش‌بینی و ضعف پیشگویانه‌ی ماهیت رهنامه را باید مورد تأکید قرار دهد. همانطور که در آیین‌نامه‌ی رهنامه نیروی زمینی آمریکا آمده است باید عملیات‌های آینده را پیش‌بینی کرد. درست مثل پیش‌بینی وضعیت آب و هوا، برآورد ما نیز باید به طرز معقولی در کوتاه‌مدت دقیق و به تناسب و در طول زمان از دقت آن کاسته شود. ما باید بحث روشن و کوتاهی از این که چرا پدیده‌هایی در رزم (به لحاظ نظری، تاریخی و تجربی) رخ می‌دهند، ارایه کنیم، تا این که فرماندهان و سربازان بتوانند اساس پیش‌بینی را درک کنند.

۳- در جای‌جای رهنامه، خلاقیت و آمادگی برای مواجهه با دشمنی انطباق‌پذیر، زیرک و نوعاً نامتقارن باید مورد تأکید قرار گیرد. نیل بدین مقصود نیازمند بیان مسأله و تعیین بهترین راه حل موجود است، و آن ابتکار عمل فرمانده از سطوح عالی فرماندهی گرفته تا پایین‌ترین سطوح آن است.

۴- در رهنامه باید این واقعیت به نیروها آموزش داده شود که اقدامات نظامی اغلب تأثیرات مرتبه‌ی دوم و سوم (قانون پیامدهای ناخواسته) دربر دارد. فرصت در پیامدهای ناخواسته با عدم قطعیت افزایش می‌یابد، و در برخی مدل‌های غیرخطی، با نامتقارنی این افزایش صورت می‌پذیرد. رهنامه نیروی زمینی آمریکا باید به نامتقارنی مثل یک خیابان دوطرفه نگاه کند، به لحاظ قابلیت‌های نظامی، نیروهای آمریکایی ممکن است نامتقارن‌ترین نیروی نظامی در طول تاریخ باشند، البته چنانچه کسی تک‌تک قابلیت‌های

معین آن را برشمارد و سپس در پی یافتن قرینه‌ی آن‌ها در سایر نیروهای مسلح دنیا برآید. در رهنامه باید نقاط قوت نیروهای آمریکا و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها، هنگامی که به طور نامتقارن بکار گرفته می‌شوند، مورد تأکید قرار گیرد.

۵- رهنامه باید شامل سیستمی باشد که بتواند به سرعت تاکتیک، تکنیک‌ها و رویه‌ها (TTP) را در مقابل تهدیدات در حال ظهور، مورد ارزیابی مجدد قرار دهد، راه‌حل‌های مبتکرانه برای مسایل تاکتیکی جدید بیابد، و تاکتیک، تکنیک‌ها و رویه‌های جدیدی را در این زمینه رواج دهد. مرکز کال (CALL)^۱ نیروی زمینی آمریکا چنین وظیفه‌ای را به نسبت خوب انجام می‌دهد. این مرکز تجارب قبلی را در قالب تاکتیک، تکنیک‌ها، و رویه‌های جدید یا اصلاح‌شده به طور فعال و منظم جمع‌آوری کرده، به تولید و انتشار گزارش‌هایی می‌پردازد که به ثبت تاکتیک، تکنیک‌ها و رویه‌های جدید می‌انجامد. حمایت از چنین تلاشی ضرورت دارد و توانایی وضعیت تدوین چنین مکتوباتی باید ارتقاء یافته، انتشار آن با سرعت بیش‌تری صورت پذیرد.

ترویج رهنامه جدید

حال ما از نظر رهنامه عملیات نیروی زمینی دقیقاً چه وضعیتی در مقابل دشمنانی که به طور فزاینده‌ای نامتقارن می‌شوند، داریم؟ رهنامه رزمی FM، عملیات ۳-۰، نسخه‌ی ژوئن ۲۰۰۱، به عنوان رهنامه اصلی نیروی زمینی آمریکا، زمینه را برای تدوین رهنامه‌های معین بیش‌تری فراهم می‌سازد.^(۱۳) این رهنامه به دلیل این که از منظر قدرت برتر به آمریکا نگاه کرده است و متفاوت از نسخه‌های قبلی خود می‌باشد، اذعان دارد که سلطه‌ی آمریکا محرک تهاجم‌های نامتقارن علیه منافع و نیروهای آمریکاست.

۱- مرکز دروس و تجارب نیروی زمینی آمریکا، م.

رهنامه‌ی ۳-۰ تدبیری عملیاتی را بر مبنای عملیات‌های آفندی، پدافندی و ثبات و پشتیبانی فراهم می‌سازد. چنین تمرکزی کاملاً متمایز از تمرکزهای سنگین در خصوص شیوه‌ی جنگ در رهنامه‌های قبلی است.^(۱۴) این رهنامه بر ابتکار عمل یگان‌های زیر امر و ظرفیت فناوری پیشرفته برای تکمیل کردن ابتکار عمل فردی تأکید می‌کند. این رهنامه همچنین مقدمه‌ای است بر مطالعه‌ی مفاهیمی عملیاتی مانند عملیات‌های مجزا که ممکن است توان نامتقارن آمریکا را تقویت کند. تا به حال بر این باوریم که در این آیین‌نامه محیط و انواع عملیات‌هایی که در افغانستان و سایر جاهای دیگر اجرا شد، با موفقیت پیش‌بینی شده است. در جایی که شاید ضرورت داشته باشد رهنامه‌های بعدی بر مسایلی چون بیان و درک تأثیرات مرتبه‌ی دوم و سوم ناشی از عملیات‌های زمینی نامتقارن تأکید کنند، این مسأله نیز باید در بررسی جامع نظریه‌ی نظامی پیش‌بینی شود.

رهنامه‌ی ۶-۰، فرماندهی و کنترل - که در حال حاضر در انتظار تصویب است - باید موجب پیشرفت فضای ابتکار عمل نیروهای زیر امر، حتی به مثابه ابزار فنی بهبود کنترل گردد.^(۱۵) فرض اصلی این رهنامه این است که فرمان ماموریت در آن چنین تعریف شده است: *”هدایت عملیات‌های نظامی از طریق اجرای غیرمتمرکز براساس دستورات ماموریت برای انجام مؤثر ماموریت. فرمان ماموریت موفق از ابتکار عمل نظام‌یافته‌ای که از جانب فرماندهان همه‌ی رده‌ها در چارچوب مقاصد فرمانده برای انجام ماموریت اعمال می‌شود، ناشی می‌گردد. این امر نیازمند وجود جوی از اعتماد و درک متقابل است.”*^(۱۶) و رهنامه‌ی ۶-۰ و رهنامه‌ی ۳-۹۰ بر تفکر خلاق حین بکار بردن تاکتیک، تکنیک‌ها و رویه‌ها در وضعیت‌های جدید تأکید می‌کنند، و این موضوع را مورد برجسته‌سازی قرار می‌دهند که برخی وضعیت‌ها برای این که پاسخ مؤثری دریافت کنند مستلزم تاکتیک، تکنیک‌ها و رویه‌های کاملاً جدیدند.^(۱۷) در عین حالی که این موضوع به طور مناسبی چارچوب فرضیه‌ای رهنامه‌ای را برای فرماندهی منطبق و سازگار با نامتقارنی روزافزون فراهم می‌سازد، اما به خودی خود متضمن این نیست که آموزش و عملیات بیانگر تدبیر باشد. این موضوع همچنان چالش جمعی نیروی زمینی به شمار می‌رود.

برخورداری از مجموعه‌ای از رهنامه‌های متناسب با محیط عملیاتی معاصر به تنهایی کافی نیست. محلی که باید نسبت به ارتقای سطح آن اهتمام ورزید صحنه‌ی عمل و مراکز آموزشی نیروی زمینی است که باید رهنامه‌ی جدید در آنجا معرفی و ترویج شود. با امکانات نشر الکترونیکی و توزیع اینترنتی، رهنامه را می‌توان سریع‌تر از همیشه در اختیار افراد قرار داد، اما با این وسایل نمی‌توان از افراد خواست و آن‌ها را وادار کرد تا رهنامه‌ها را بخوانند و بررسی کنند. یک برنامه‌ی آموزشی انسان‌گرا، توسعه‌ی حرفه‌ای و شبیه‌سازی هنوز لازم است.

زمانی که استلزامات عملیات‌های رو به رشد نامتقارن را در نظر می‌گیریم، لازم است تا بررسی جامعی در خصوص نظریات اساسی - که مبنای رهنامه هستند - به عمل آید. رهنامه‌ی کنونی در رهنامه‌های گذشته و مطالعه‌ی عملیات‌های نظامی پس از جنگ‌های بزرگ اروپا، بویژه جنگ‌های ناپلئون و جنگ جهانی اول، ریشه دارد. ما آرا و نظریات ژومینی، کلاوزویتس، فولر و دیگرانی را که پدیده‌ی نبرد را تشریح کرده‌اند، شبیه‌سازی و با شرایط موجود خود سازگار کرده‌ایم. علاوه بر این، مجموعه‌ی اصول و نظریه‌ی کلاسیک، مسایل دیگری چون سیستم‌های عمل‌کننده‌ی صحنه‌ی نبرد و فضای نبرد نیز وجود دارد. اما آیا ما واقعا ماهیت عملیات‌های قرن بیست و یکم و استلزامات نظری آن را بررسی کرده‌ایم؟ تا چه میزانی احساس عجز از دشمنان و عملیات‌های نامتقارن، محصول تلاش هدایتی نظریه‌ی عصر صنعتی در جهت عملیات‌های عصر اطلاعات است؟ آیا نشانه‌هایی که دلالت بر عدم اعتبار مفاهیم رهنامه‌های قدیمی‌تر باشد، وجود دارد؟ این به معنی ناچیز شمردن و حذف کردن مفاهیم و نظریات نظامی فعلی نیست، چرا که بسیاری از آن‌ها ممکن است همچنان از اعتبار برخوردار باشند. اما تا زمانی که مطالعه‌ی جامعی در خصوص اصول و قواعد عملیاتی و تجارب عملیاتی اخیر انجام نداده باشیم، نمی‌توان نسبت به این امر اطمینان حاصل کرد. آنچه ما واقعا توان جبران کردنش را نخواهیم داشت این است که در این مورد به شدت اشتباه کرده باشیم یا

به رهنامه‌ای پرداخته باشیم که پاسخ موجه و معتبر برای چالش‌های نامتقارن نداشته باشد. در عصر نامتقارنی:

- ۱ - رهنامه باید انعطاف‌پذیری در تفکر و عمل را با تأکید بر بکاربردن خلاقانه‌ی نیرو، ایجاد کند.
- ۲ - رهنامه باید براساس عدم قطعیت و ابهام باشد و نه مصر به تجویز راه‌حل‌های [کلیشه‌ای] برای حل مشکلات.
- ۳ - رهنامه باید برای حفظ مفاهیم مفید و حذف مفاهیمی که دشمنان موجب بی‌فایده‌گی و بی‌تأثیری آن‌ها شده‌اند، دایما در تمامی سطوح مورد بازنگری قرار گیرد.
- ۴ - رهنامه باید بر برتری‌های نامتقارن نیروهای خودی سرمایه‌گذاری کند.

منابع

- 1 - J.F.C. Fuller, *The Foundations of the Science of War* (Fort Leavenworth, KS: U.S. Army Command and General Staff College Press, 1993), 254. Reprinted from the original 1926 edition.
- 2 - The development of Navy gunnery computers allowed the U.S. Army Air Corps to perfect the famous Norden bombsight and provided some of the stimulus for electronic computers developed later in World War II.
- 3 - For more information about the Type 93 61-centimeter (24-inch) diameter torpedo, see Department of the Navy, U.S. Navy Historical Center, on-line at <www.history.navy.mil/photos/events/wwii-pac/guadlcnl/guadlcnl.htm>. See also *Joint Forces Quarterly*, on-line at <www.dtic.mil/doctrine/jel/jfq_pubs/2120.pdf>. For comparative performance figures see table on-line at <www.microworks.net/pacific/battles/java_sea.htm>.
- 4 - U.S. Joint Publication 1-02, Department of Defense (DOD) Dictionary of Military and Associated Terms, on-line at <www.dtic.mil/doctrine/jel/new_pubs/jp1_02.pdf>.
- 5 - Examples from recent Army manuals include "active defense" (FM 100-5, Operations [Washington, DC: Government Printing Office (GPO), 1976]); "AirLand Battle" (FM 100-5, Operations [Washington, DC: GPO, 1982]); "full-dimensional operations" (FM 100-5, Operations [Washington, DC: GPO, 1993]); and "full-spectrum operations" (FM 3-90, Tactics [Washington, DC: GPO, 2001]).
- 6 - FM 3-0, par. 2-12.
- 7 - FM 3-90, Tactics (Washington, DC: GPO, 4 July 2001), pars. 1-12 and 1-13.

- 8 - Ibid.
- 9 - Ibid., par. 1-13.
- 10 - The actual passage reads, "War is the realm of uncertainty; three-quarters of the factory on which action in war is based are wrapped in a fog of greater or lesser uncertainty" (Carl von Clausewitz, On War, Book Two, On the Nature of War, chap.6).
- 11 - Admiral Ernest King quoted in FM 6-0, Command and Control, DRAG ed. (Fort Leavenworth, KS: Combined Arms Doctrine Directorate). At the time he made the statement in 1940, King was a battleship force commander. He became Commander in Chief of the Atlantic Fleet before President Franklin D. Roosevelt appointed him Chief of Naval Operations. The actual quote is from Thomas B. Buell, Master of Sea Power: A Biography of Admiral Ernest J. King (Boston: Little, Brown, 1980).
- 12 - History of the Army in the Indian Wars, U.S. Army Center of Military History, on-line at < www.army.mil/cmh-pg/books/AMH-14.htm >. See also Indian war campaign summary, U.S. Army Center of Military History, on-line at < www.army.mil/cmh-pg/reference/iwcmp.htm >.
- 13 - FM 3-0.
- 14 - See the FM 100-5 manuals.
- 15 - FM 6-0.
- 16 - FM 6-0, GI-5.
- 17 - FM 6-0 and FM 3-90.